خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۴ . ۵ جمادی الثانی ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۱۷

استاد دانشگاه میلان:
ادبیات وحشت در شاهنامه وجود دارد

مهرـ پروفسور آناوانزان استاد دانشگاه میلان در دومین نشست تخصصی استادان زبان و ادبیات فارسی در ایتالیا گفت: در شاهنامه به ادبیات وحشت پرداخته شده است، چرا که فردوسی همواره در شاهنامه به نبرد بین اهریمن و رستگاری اشاره می کند. حضور اهریمن و دیو در شاهنامه و تشبیه دیو به یک موجود ترسناک نشان از این دارد که فردوسی می خواهد خواننده را از اهریمن ترسانده و با ارائه جلوه ای زشت انسان را از گناه دور کند.

یادداشت

دکتر شمسی پارسا
استادیار دانشگاه آزاد

شاهنامه بعد از فردوسی

اگر زبان فارسی را مظهر وحدت و یکپارچگی ملی بدانیم بی گمان این نقش تا حدود زیادی مرهون شاهنامه فردوسی است. شاهنامه گذشته از این که به زبان فارسی سروده شده، شناسنامه قوم ایرانی است و حافظه جمعی آنان را تشکیل می دهد. بعد از سروده شدن شاهنامه هر گاه که در طول تاریخ ایران، حمله ای و تاخت و تازی صورت گرفته، توجه دولت و مردم معطوف به شاهنامه فردوسی شده است. گذشته از عصر غزنویان که از فردوسی و اثرش دل خوشی نداشتند، بعد از این دوره کمتر شاعر و نویسنده ای است که از شاهنامه در اثر خود یادی نکرده باشد. در زمان های بحرانی مانند حمله مغول و تیمور، توجه به شاهنامه افزایش می یابد حتی در زمان بایسنقر، شاهزاده تیموری، دستور داده می شود که نسخه ای منقح از روی نسخه های موجود شاهنامه تهیه گردد.

در دوره قاجار، شاعرانی مانند صبا خود به سرودن شهنشاه نامه می پردازند و در این کار از فردوسی تقلید می کنند.

هر چند شاهنامه بنیاد فرهنگ و اندیشه ایرانی است، اما مانند تمام آثار بزرگ دیگر، به جغرافیا و تاریخ و جریان های سیاسی پیش و پس از خود نیز مربوط می باشد. حتی محیطی که شاهنامه در آن به وجود آمده در الهام فردوسی در سرودن شاهنامه نقش داشته است. بنابراین می توان گفت که شاهنامه سفارش زمان خود بوده است.

این که چرا فردوسی، شاهنامه را سرود و چرا ایرانیان اینقدر به شاهنامه توجه کردند، دلایل زیادی دارد که مهم تر از همه همان اوضاع و احوال اجتماعی و سیاست حاکم زمانه از طرفی و زمینه های فکری و اعتقادات صاحب اثر از طرف دیگر می باشد. بنابراین برای روشن شدن این بحث که چرا شاهنامه سروده شد و چگونه مظهر وحدت ملی ایرانیان گشت، پرداختن به وضع سیاسی و اجتماعی دوران فردوسی و بعد از آن زمینه های فکری و اعتقادی فردوسی ضروری به نظر می رسد. شاهنامه همیشه نقطه عطفی در خیلی از مباحث و در همه دوره ها بوده است. در متون بعد از فردوسی، شاهنامه مسکوت است.

گویا ممانعتی بوده زیرا سلطان محمود از فردوسی و شاهنامه دل خوشی نداشته است. برای مثال در تاریخ بیهقی که یکی از آثار برجسته این عهد است، ذکر و یادی از فردوسی و شاهنامه به چشم نمی خورد. اما با این حال بعد از گذشت نیم قرن، آوازه شاهنامه به دورترین نقاط ایران رسیده بود. توجه به شاهنامه و فردوسی به دو شکل بوده است: یکی به صورت تقلید از شاهنامه و دیگری یاد کرد آن در آثار شاعران و نویسندگان.

شاهنامه تاریخی است که باید باشد نه تاریخی که بوده است و راز ماندگاری آن نیز در همین است. توجه ملت ایران به شاهنامه در اوقات مختلف برای وصول به هدف های مختلف بوده است.

در قرن نهم چنان که گفته شد، بایسنقر میرزا و سلطان حسین بایقرا به منظور ایجاد وحدت در کشور، توجه خاصی به شاهنامه فردوسی نمودند و از این دوران چند نسخه شاهنامه در دست است. در دوره ترکیب یافتن دولت صفویه به عنوان دولت ملی-مذهبی نیز توجه به فردوسی و منظومه او شدت یافت.

وفور نسخه های خطی و متنوع شاهنامه اعم از کامل یا منتخبات از این دوره، گواه این امر است. بعد از مشروطه نیز توجه و علاقه به این منظومه چه از طریق محافل حاکم و چه از طریق توده های مردم رو به افزایش رفته است.

بنابراین ملاحظه می شود که شاهنامه همیشه در برهه های بحرانی به سراغ ایران آمده است و گذشته از نقشی که در تلفیق دو فرهنگ قبل از اسلام و بعد از اسلام داشت، نه از آن جا که انبوهی از لغات فارسی را دربر دارد، نقش آن در حفظ زبان فارسی نیز اهمیت خاصی دارد.

ایران نخستین کشوری بود که اسلام آورد اما هرگز به عربی سخن نگفت و نه تنها زبان خود را نگاه داشت بلکه پیشرفت اسلام به سوی شرق و هند و پاکستان و مالزی و اندونزی تا حد چین به زبان فارسی بوده است و این همت ایرانیان را می رساند که با سخت کوشی و مواظبت بسیار، زبان شیرین خود را حفظ کردند اما به یاد داشته باشیم که وقتی فردوسی، دلپذیرترین و زیباترین داستان های خداینامه را برگزید و لباس نظم بر تن آنها پوشانید، شعر وی بر سر زبان ها افتاد و کودکان آن را از دوران زبان باز کردن فرا می گرفتند و تا واپسین دم زندگی از آن لذت می بردند و این خود یکی از عوامل استوار حفظ و نگاهداری زبان فارسی بود؛ آیا فردوسی وقتی می گوید:

پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند

حق با او نبوده است؟

تاریخ پایان نظم شاهنامه به روایت دکتر خالقی مطلق

در پایان بیشتر دست نویس های کامل شاهنامه، روز پایان نظم پادشاهی یزدگرد سوم، روز ارداز اسفندارمذ یاد شده است. از آن جایی که این تاریخ روز در اکثر دست نویس ها در ارتباط با تاریخ سال پایان نظم شاهنامه آمده است، پس به احتمال بسیار تاریخ روز پایان نظم شاهنامه نیز هست. ولی از سوی دیگر چون در دست نویس های شاهنامه برای تاریخ سال پایان نظم کتاب دو تاریخ آمده، یکی سال ۳۸۴ هجری و دیگر سال ۴۰۰ هجری، (۱) از این رو روشن نیست که تاریخ روز ارد اسفندارمذ، یعنی ۲۵ اسفند، در اصل مربوط به سال پایان نخستین نظم شاهنامه، یعنی سال ۳۸۴ بوده، یا مربوط به سال پایان نهایی آن که سال ۴۰۰ هجری باشد. پاسخ به این پرسش موضوع این گفتار است. نخست نگاهی به دست نویس ها می اندازیم:

از میان پانزده دست نویس اساس تصحیح نگارنده، در ۱۰ دست نویس تاریخ ۲۵ اسفند با سال ۴۰۰ هجری مرتبط است. این دست نویس ها (۲) عبارتند از: ل (مورخ ۶۷۵ هجری)، س (۷۳۱)، لن (۷۳۳)، ق (۷۴۱)، ک (۷۵۲)، لی (۸۴۰)، و (۸۴۸)، لن (۲) (۸۴۹)، آ (۸۵۲) و ل (۲) (۸۹۱). ولی در میان دو بیتی که به ترتیب تاریخ روز و تاریخ سال را دارند، ۴۴ بیت فاصله افتاده است که در نتیجه ارتباط آنها از هم گسسته و از اعتبار گزارش آن کاسته شده است. متن این دو بیت در این دست نویس ها چنین است:

سرآمد (س، لی: به سر شد) کنون قصه یزدگرد
به ماه سفندارمذ روز ارد (۳)
ز هجرت شده پنج هشتاد بار
به نام جهاندار کردگار

در مقابل در ۴ دست نویس تاریخ روز ۲۵ اسفند با سال ۳۸۴ هجری مرتبط است. این دست نویس ها عبارتند از: ق (۲) (۷۹۶)، ل (۳) (۸۴۱)، ب (۸۹۴) و س (۲) (۹۰۳). ولی در این جا نیز در ق (۲) میان این دو بیت ۲۱ بیت فاصله افتاده و در نتیجه ارتباط آنها از هم بریده شده است. همچنین در ل (۳) بیت دوم دارای ضبطی به کلی متفاوت است:

سرآمد کنون قصه‌ی یزدگرد
به ماه سفندارمذ (ل (۳)-مه) روز ارد
ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار
به نام جهاندار کردگار

ل (۳): ز هجرت شده سیصد از روزگار
چو هشتاد و چار از برش برشمار

باقی می ماند دست نویس پ (۸۴۴) که بیت نخستین را اصلاً ندارد و در بیت دوم تاریخ ۳۸۴ (: ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چهار ...) دارد. همچنین در ترجمه عربی بنداری از مضمون بیت نخستین اثری نیست و او نیز تاریخ پایان شاهنامه را ۳۸۴ گزارش کرده است.

اکنون با در نظر گرفتن این که نه تنها اکثریت بزرگ دست نویس های اساس تصحیح ما، بلکه کهن ترین و به نسبت معتبرترین آنها، تاریخ ۲۵ اسفند را در ارتباط با سال ۴۰۰ آورده اند، می توان گفت که به احتمال بسیار روز ۲۵ اسفند تاریخ پایان نهایی سرایش شاهنامه است. همچنین از آن جایی که بنداری قاعدتاً نباید بیت نخستین را که شامل گزارش تاریخ روز است، در ترجمه حذف کرده باشد، پس محتمل است که دست نویس اساس او نیز مانند دست نویس پ بیت نخستین را اصلاً نداشته که این خود می تواند تأییدی بر این باشد که شاعر بیت مربوط به تاریخ روز را در ارتباط با سال ۴۰۰ گفته بود و نه در ارتباط با سال ۳۸۴.

از سوی دیگر، اگر در این پژوهش به سراغ دست نویس های دیگری نیز برویم، ممکن است که حساب ما از نگاه شمار دست نویس هایی که یکی از دو تاریخ سال را دارند به هم بخورد. چنانکه برای مثال از میان دست نویس های دیگری که نگارنده معرفی کرده است، (۴) در ۱۰ دست نویس تاریخ ۲۵ اسفند در ارتباط با سال ۳۸۴ آمده است و در ۶ دست نویس در ارتباط با سال ۴۰۰. ولی با در نظر گرفتن این که این دست نویس ها از اعتبار کمتری برخوردارند و بیت دوم را نیز به چند ضبط گزارش کرده اند، (۵) تغییری در نتیجه گیری ما نمی دهد. در هر حال نظر تقی زاده که بیت گزارش تاریخ روز را با سال ۳۸۴ مرتبط می داند، (۶) به سبب عدم دسترسی او در آن زمان به دست نویس های ما و در نتیجه عدم شناخت درجه اعتبار آنها محتمل نیست. در این جا به این نکته نیز باید توجه بدهم که نه در اصالت بیت گزارش تاریخ روز جای گمانی است و نه در اصالت دو بیتی که در گزارش تاریخ سال آمده اند، جز این که در بیت گزارش تاریخ ۳۸۴، چنان که پیش از این اشاره شد، زیاد دست برده اند و در برخی از دست نویس ها بیت را (نه تاریخ را) به کلی عوض کرده اند. همچنین در برخی از دست نویس ها در این بخش پایان کتاب، بیت های الحاقی بسیاری چه از جاهای دیگر شاهنامه، چه از هجونامه و چه از ساخته های بیگانه افزوده اند. در اصالت بیت گزارش تاریخ روز، این نکته را نیز اضافه کنم که این بیت عیناً به همین گونه در لغت فرس در گواه ارد آمده است. با این حال تقی زاده که گویا توجهی به لغت فرس نداشته، به ویژه بیت گزارش تاریخ روز را، یکی هم به این دلیل که مصراع دوم آن دو بار دیگر هم عیناً در شاهنامه آمده است (۷) «مشکوک» می داند. ولی در شاهنامه موارد دیگری نیز که تمامی یک مصراع و گاه یک بیت چندبار در کتاب تکرار شده باشد باز هم هست، هر چند موارد اصیل آن که کار قلم های بیگانه نیست، بسیار اندک و در یک اثر پنجاه هزار بیتی اجتناب ناپذیر است. از سوی دیگر ایرادتقی زاده پرسش دیگری را مطرح می کند و آن این است که آیا تکرار مصراع «به ماه سفندارمذ روز ارد» در سه جای مختلف کتاب، دلیلی بر این نیست که ما در این جا باضرورت وزن و قافیه یا تکرار فورمولی در حماسه سرو کار داریم و نه با گزارش یک تاریخ واقعی؟ گذشته از این سه مورد، در سه مورد دیگر نیز واژه ارد با نام هایی چون سیاوخش گرد، شاپور گردویزدگرد قافیه شده است (۸) که باز می توان احتمال داد که در این موارد نیز ضرورت قافیه سبب کاربرد ارد شده باشد و نه تاریخ ۲۵ اسفند.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که فردوسی تنها شاعر نیست، بلکه مورخ نیز هست. از این رو گمان نمی رود که او به سبب ضرورت وزن و قافیه برای وقایع کتاب تاریخی از خود ساخته باشد و دست کم می توان احتمال داد یک موردی که شاعر از تاریخ روز پایان کتاب خود سخن می گوید، تاریخ به زیر چرخ وزن و قافیه نرفته باشد. همچنین این که شاعر پس از گزارش تاریخ روز، بلافاصله تاریخ سال را هم گزارش می کند، می تواند تأییدی بر درستی تاریخ روز باشد.

پی نوشت ها:

۱- اشاره تقی زاده به یک تاریخ دیگر، یعنی ۲۵ محرم ۳۸۹ (هزاره فردوسی: تهران ۱۳۶۲، ص ۱۰۴-۱۰۵)، گرفته از یک قطعه الحاقی است و به کلی بی اعتبار. نگاه کنید به توضیح نگارنده در: ایران نامه ۱۳۶۴/۲، ص ۲۳۳ به جلو.

۲- درباره مشخصات این دست نویس ها بنگرید به دفترهای شاهنامه، تصحیح نگارنده.

۳- اردیک و امواژه پهلوی در فارسی است. در پهلوی ارد به زبر یکم، ولی در شاهنامه همه جا به زیر یکم به کار رفته است. مگر آن که بگوییم شاعر در این جا اختلاف حذو که در عیوب قافیه اقواء می نامند، روا داشته است.

۴- بنگرید به: ایران نامه ۱۳۶۴.

۵- دو نمونه آن را در بالا دیدیم. در برخی دیگر از دست نویس ها این بیت به این صورت آمده است:

گذشته از آن سال سیصد شمار
بروبر فزون بود هشتاد و چار

۶- تقی زاده، همان جا، ص ۱۰۵. ولی او سپس به درستی توضیح داده است که تاریخ ۲۵ اسفند، در صورتی که آن را با سال ۴۰۰ مرتبط بدانیم، مطابق ۲۰ رجب و ۸ مارس (سال ۱۰۱۰) است و نولدکه (حماسه ملی ایران، ص ۲۵) سهواً آن را برابر ۲۵ فوریه گرفته است.

۷- یکی در این پادشاهی کیخسرو (چهارم ۳۰۴/۲۰۹۲):

همی رفت سوی سیاوخش گرد
به ماه سفندارمذ روز ارد

و دیگر در آغاز پادشاهی یزدگرد (چاپ مسکو ۹/۳۱۱/۱):

چو بگذشت زو شاه شد یزدگرد
به ماه سفندارمذ روز ارد

۸- شاهنامه، دوم ۳۱۵/ ۱۶۸۷؛ چاپ مسکو ۷/ ۱۹۸/ ۵۸ و ۷/ ۴۱۳/ ۱۹۱۶.

مجله ایران شناسی، سال دوازدهم
***دکتر جلال خالقی مطلق**
مصحح شاهنامه و استاد دانشگاه هامبورگ

گاه شمار

۲۵ اسفند
روز پایان سرایش شاهنامه

در چنین روزی بود که قلم برزمین گذاشت پس از سی سال رنج و شاهکارش شاهنامه را به یادگار نهاد برای همیشه تاریخ، بنا بر گفته ای از خود او در بیت های پایانی شاهنامه که:

سرآمد کنون قصه یزدگرد
به ماه سپندارمذ روز ارد
ز هجرت شده پنج هشتاد بار
به نام جهان داور کردگار

در گاه شماری ایرانی، بیست و پنجمین روز هر ماه، «ارد» نامیده می شود و «پنج هشتاد بار» که فردوسی بدان اشاره می کند، به معنای چهار صد است. در گاه شمار ایران باستان هر یک از سی روز ماه نام ویژه ای دارد که نام ۱۲ ماه سال مانند اردی بهشت، امرداد و سپندارمذ نیز در میان آن هاست. «سپندارمذ» همان اسفندماه است و روز «اَرد» به معنای خوشبختی نیز روز ۲۵ از گاه شماری ایران باستان به شمار می آید که در آن روز، سرایش شاهنامه پایان یافت.

آن چنان که دکتر محمدامین ریاحی در کتاب «سرچشمه های فردوسی شناسی» یاد کرده است، می توان سیر تدوین و به پایان بردن شاهنامه را به پنج دوره تقسیم کرد. دوره نخست که همزمان با روزگار جوانی فردوسی است، شاعر به نظم پاره ای از داستان های پراکنده شاهنامه همانند بیژن و منیژه، رستم و اسفندیار، سیاوش و یکی دو داستان دیگر می پردازد.

در دوره دوم که سال های کار و کوشش اوست، فردوسی در سن چهل سالگی و در حدود سال ۳۷۰ قمری، نظم شاهنامه را بر اساس شاهنامه منثور ابومنصوری آغاز می کند و چهارده سال بعد (۳۸۴ ق) نخستین تدوین کتاب را به پایان می رساند.

دوره سوم که آن را سال های انتظار نامیده اند، از ۳۸۴ تا ۳۹۵ قمری (۵۴ تا ۶۵ سالگی فردوسی) به طول می انجامد. او بخش های دیگری را به شاهنامه اش می افزاید و به بازنگری در سروده های پیشین خود می پردازد و در صدد برمی آید که آن را به محمود غزنوی پیشکش کند.

در چهارمین دوره (از ۳۹۵ تا ۴۰۰ ق) که همزمان با ۶۵ تا ۷۱ سالگی فردوسی است، او تجدید نظر دیگری از شاهنامه انجام می دهد و با افزودن مدایحی در ستایش محمود، نسخه کامل کتاب را به او هدیه می کند. دوره پنجم را دکتر ریاحی «سال های پیری و نومیدی» فردوسی نامیده است. در این زمان که سالیان عمر فردوسی به هشتاد سالگی نزدیک شده است و ۳۵ سال از آغاز نظم شاهنامه گذشته است، ابیاتی در گله و شکایت از محمود غزنوی می نویسد و از قدرنشناسی و ناسپاسی او یاد می کند.

جدول
شماره ۶۵۱۴

طراح جدول: امید موسوی

افقی: ۱- خودرو - کنایه از موقعیت حساس - روز هفتم ماه خورشیدی ۲- خلاصی - اسباب منزل - ستاد - امرود - ساعی ۳- نام ترکی - صدف نشین - چاه جهنمی - ماربزرگ - آتشگیره - زبان بسیاری از مردم غرب ایران ۴- گروه ورزشی - برابری - از اشکال هندسی - صدمتر مربع ۵- بدرود - ریشه - بدهی - آب روستایی - سردرگم ۶- احتیاج - قافله - ابله ۷- جوانمردان - ازادات تشبیه - بخشش - گریز - ریسمانی که بر زانوی شتر می بندند تا فرار نکند ۸- علامت مفعولی - خدایی - بیمناک - اگر برعکس شود امر به آمدن است ۹- مگر - دانه خوشبو - خطای فوتبالی - سَرشب - عصاره گوجه فرنگی - تلخ ۱۰- دشنه - تصدیق فرنگی - ماندگاری - الفت - اسباب بازی کودکانه ۱۱- کنسولگری - شتربان - بیرون کشیدن

عمودی: ۱- پادشاه نثر فرانسه ۲- از سرگیری - گردآوری ۳- تعجب زنانه - پیامبر نقاش - مقابل ۴- روش - دزد - همه ۵- پایتخت ایتالیا - از میوه های گرمسیری ۶- دریا - از رنگ ها - سرپرست ۷- از جزایر خلیج فارس - دشنام - چاشنی دوسویه ۸- تازه فرنگی - وسیله ای برای پرواز انفرادی ۹- خودرو روسی - نخوت ۱۰- سرما - سیاه - کنیه ۱۱- سوراخ - دفعه - عدد فوتبالی ۱۲- دسته - مخفف اهریمن ۱۳- بانگ نماز - دهان دره ۱۴- پیشوند مشارکت - می دهند و رسوا می کنند - هادی ۱۵- چغندرپخته - بیهوشی - تکرار حرف ۱۶- دستگاه قطع و وصل جریان برق در موتور خودرو - جنس خشن ۱۷- بی پرده - طولانی ترین شب سال - انتها ۱۸- دولت ها - تحریر - پرحرفی ۱۹- گنجه - اکسیر ۲۰- به عقیده قدما مدار سالیانه خورشید به دور زمین

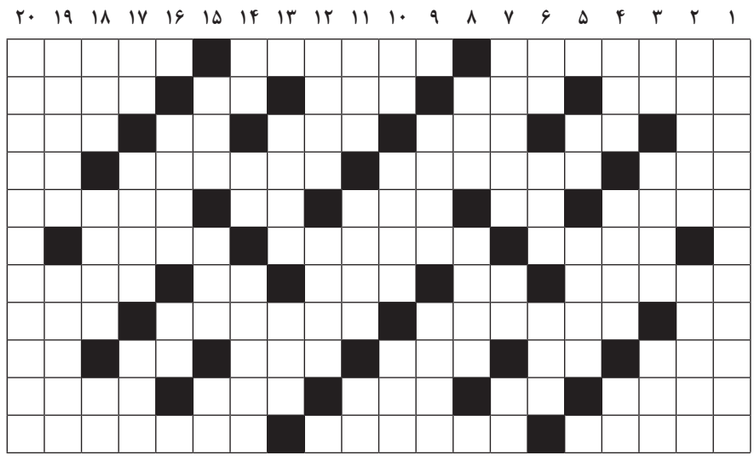

حل جدول شماره ۶۵۱۳

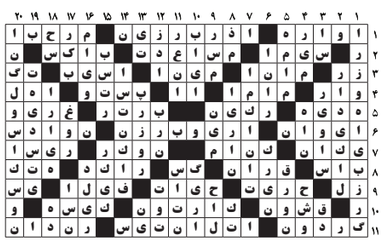

آگهی افزایش سرمایه شرکت سیمان شرق سهامی عام به شماره ثبت ۴۵۹۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۳۳۷۲۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۱ و نامه شماره ۹۴۹/۲۱۰۴۴۳-۶۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۴ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: با توجه به تفویض اختیار حاصله از مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ و آگهی های پذیره نویسی منتشره در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۱ و روزنامه خراسان مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۱ موضوع اعمال مواد ۱۶۹ و ۱۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت و صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۶ مبنی بر انتقال مبلغ ۱۵۹۱۳۳۵۴۲۰۰۰ ریال از حساب مطالبات سهامداران به حساب سرمایه و واریز مبلغ ۷۷۶۷۳۵۴۰۰۰ ریال توسط سهامداران به حساب سپرده افزایش سرمایه و همچنین آگهی های پذیره نویسی منتشره در روزنامه های اطلاعات و خراسان و دنیای اقتصاد و جهان اقتصاد به تاریخهای ۱۳۹۴/۱۰/۲۶ و ۱۳۹۴/۱۱/۰۸ موضوع اعمال ماده ۱۷۷ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت و گواهی شماره ۹/۱۶۲۹/۴۸۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ بانک صادرات شعبه چهارراه گلستان مشهد مبنی بر واریز مبلغ ۶۷۸۷۹۱۰۴۰۰۰ ریال به حساب سپرده ای که جهت افزایش سرمایه در نظر گرفته شده بوده است هیات مدیره افزایش سرمایه شرکت را از مبلغ ۱۰۹۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۳۲۶۷۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال شامل مبلغ ۱۵۹۱۳۳۵۴۲۰۰۰ ریال از محل مطالبات حال شده سهامداران و مبلغ ۷۷۶۷۳۵۴۰۰۰ ریال از محل آورده نقدی سهامداران و مبلغ ۶۷۸۷۹۱۰۴۰۰۰ ریال از محل پذیره نویسی عمومی را عملی دانسته و ماده ۵ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید: ماده ۵ اصلاحی: سرمایه شرکت مبلغ ۱/۳۲۶/۷۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱/۳۲۶/۷۸۰/۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام عادی می باشد که تمامی آن پرداخت گردیده است. با ثبت این مستند تصمیمات افزایش سرمایه بنا به تفویض اختیار به هیئت مدیره، تحقق افزایش سرمایه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری مشهد

۹۴۵۱۰۰۳۵/ف